

مجله پژوهش‌های اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۷

شعر و شاعری در حدیث پیامبر (ص)*

دکتر ناصر محسنی نیا

استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

صدیقه السادات حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

عرب‌های غیرمسلمان در برخورد با پیامبر (ص)، ایشان را شاعر می‌نامیدند و سعی می‌کردند پیام و شخصیت ایشان را در حد شعر و شاعری پایین بیاورند. مقاله حاضر بحثی است در مورد آرای پیامبر (ص) در مورد شعر و شاعری که با استمداد از احادیث و روایات، به نقد و بررسی نظر ایشان پرداخته شده است. در قرآن کریم شش آیه در مورد شعر و شاعری آمده است. باید دانست شعر از هر نظر مردود نمی‌باشد و با توجه به مضمون و محتوی است که شعری را می‌توان مقبول دانست و یا مردود کرد.

واژگان کلیدی

پیامبر (ص)، شعر، شاعری، احادیث.

تاریخ پذیرش: ۸۷/۷/۲۱

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۱۱/۱۵

N_Mohseninia@yahoo.com

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱- درآمد

پیامبر (ص) به پیامبری مبعوث گردید، در حالی که شعر در بین عرب‌های آن زمان، کتاب علم و زندگی و مظهر فصاحت و شرافت و منبع مفاخر و فضایل به حساب می‌آمد. ایشان از اهمیت این هنر در نزد عرب‌ها با خبر بودند؛ اما از آن جا که کفار به پیامبر (ص) تهمت شاعری می‌زدند و قرآن را شعر می‌نامیدند، پیامبر (ص) برای رد سخن کفار، به آیاتی از قرآن که در همین زمینه نازل شده بود، تکیه کردند.

کفار برای مقابله با پیامبر (ص) از بعضی شاعران بزرگ آن زمان کمک گرفتند تا قرآن را کتاب شعر و گفته پیامبر (ص) قرار دهند. اما در این زمینه با شکست مواجه شدند؛ زیرا بسیاری از آن شاعران با شنیدن آیات قرآن متوجه فصاحت و بلاغت قرآن گشته و مسلمان شده بودند. آنها بهتر از هر کسی می‌دانستند که کلام خداوند به هیچ وجه شعر نیست و محمد (ص) نمی‌تواند آن را گفته باشد.

به همین دلیل، پیامبر (ص) نظرات مختلفی در مورد شعر و شاعری دارند که مشخص می‌کند ایشان چه نوع شعر و چه شاعری را نکوهش می‌کنند. در مقاله زیر به این احادیث و روایات اشاره شده است.

۲- شعر و شاعری پسندیده از نظر پیامبر (ص)

حضرت محمد (ص) در مورد شعر و شاعری نظری همانند قرآن دارند. ایشان شعر را به عنوان یک هنر هرگز رد نمی‌کنند، چنانکه در روایت‌ها ذکر شده، پیامبر (ص) از این هنر برای مقابله با دشمنان اسلام همچون حربه جنگی استفاده می‌کرده است.

نقل است که پیغمبر (ص) در زمان فتح مکه در لشکرگاه بوده و خبر هجای ابوسفیان را شنید. سپس، به مسلمانان فرمود: «این هجا را چه کسی پاسخ می‌گوید؟» تعدادی از شاعران به درخواست پیامبر (ص) جواب مساعد دادند، از جمله کعب بن مالک. اما پیامبر (ص) قبول نفرمود. آنگاه حسان بلند شد و گفت:

«مرا زبانی است بسان شمشیر تیز و بران که اگر بر پوست گاو بگذارم، آن را می‌دزد؛ جواب ابو سفیان را به من واگذارید.»

حسان چون در زمان جاهلیت هم شاعر بود، لذا در قصیده‌ای که در هجو ابو سفیان سرود، از اسلوب شعر جاهلی استفاده نمود. در آغاز به وصف یار و دیار محبوب پرداخت، آنگاه به ذکر دلیری و شجاعت مسلمانان پرداخته و سپس، به مدح رسول

اکرم (ص) روی آورده است و جواب ابو سفیان بن حارث را که در هجای اسلام و پیامبر (ص) شعر سروده بود، داده است. (الغدیر، ج ۳، ۱۶).

این مطلب نشان می‌دهد که پیامبر (ص) اشعاری را که دارای مضمون عالی بودند و در آنها به هدایت بشر پرداخته شده است، همچنین اشعاری که به وسیله آنها بتوان جواب مشرکین را داد، پسینده و قابل قبول می‌داند.

۲-۱- تأیید روح القدس

در جای دیگر نیز روایت شده وقتی حسان بن ثابت در روز غدیر خم، جریان غدیر را به شعر در می‌آورد، پیامبر (ص) در مورد حسان چنین فرمود:
«لا تزال يا حسان مؤيداً بروح القدس ما نصرتنا بلسانك.» (همان، ج ۳، ۱۶).
ای حسان! تا زمانی که ما را با کلامت یاری می‌کنی، از تأییدات روح القدس بهره‌مند گردی.

مطلب ذکر شده، مشخص می‌کند که کلام شاعر از نظر پیامبر (ص) می‌تواند یاری رسان دین باشد. و به وسیله آن می‌توان انسان‌ها را به اهداف متعالی و حق هدایت کرد. حتی به وسیله آن می‌توان مورد تأیید مقربان در گاه الهی قرار گرفت.

مقامی را که در روایت، پیامبر (ص) برای حسان بن ثابت مشخص می‌کند، مقامی بس بالا و ارزشمند است که نصیب کمتر انسانی می‌گردد. پس همان‌گونه که می‌توان با شعری باعث گمراهی انسان‌ها گشت، در مقابل می‌توان با اشعاری نیکو و با محتوی، مورد تأیید روح القدس قرار گرفت.

۲-۲- سحر حلال

در حدیثی پیامبر (ص) می‌فرمایند: «إِنَّ مِنْ الْبَيَانِ لَسِحْرًا، إِنَّ مِنْ الشَّعْرِ لِحِكْمَةً» (همان، ج ۲، ۹).

همانا پاره‌ای از بیان‌ها سحر می‌باشند و پاره‌ای از اشعار حکمت هستند.

وقتی پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) بعضی از بیان‌ها را سحر می‌نامند، نشان از بزرگی و تأثیر عمیق این بیان‌ها دارد. با توجه به قسمت دوم حدیث می‌توان فهمید که منظور از بیان‌ها، همان اشعار هست. اشعاری که در روح و جسم خوانندگان خودشان مؤثر هستند.

این چنین است که شاعران بزرگ نه تنها به خاطر مقام بلندشان در شعر، بلکه با استناد به سخن پیامبر (ص) خود را ساحر خوانده‌اند. اما سحری حلال، نه همانند جادوگران دارای سحری حرام. ناصر خسرو می‌گوید:

ساحرمان گفته‌اید، شاید و لیکن ساحر اهل خرد ز سحر حلالیم
(دیوان ناصر خسرو، به نقل از لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل «سحر»)
همچنین، در ضمن یک مفاخره، سخنان خودش را سحر حلال می‌نامد:
نام سخن های من از نظم و نثر چیست سوی دانا؟ سحر حلال
(دیوان ناصر خسرو، قصیدهٔ ۱۶۵)
نظامی در جایی شعر خودش را برتر از سحر ساحرترین ساحران، یعنی هاروت
بابلی به حساب می‌آورد و آن چنان به جادوی سخنش معتقد است که نسخهٔ سحر
خود را که اشعارش هستند، از بین برندهٔ سحر هاروت می‌خواند:
سحر حلالم سحر قوت شد نسخ کن نسخه‌ی هاروت شد
(مخزن الاسرار، ۴۵)
سرانجام، حافظ شیرین سخن، شعرش را سحری می‌نامد که جهانیان را در بر
گرفته است و همه را شگفت‌زده کرده:
حافظ حدیث سحر فریب خوشت رسید تا حد مصر و چین و به اطراف روم و ری
(دیوان حافظ، غزل ۴۲)

۲-۳- جهاد با زبان

کعب بن مالک می‌گوید عرض کردم: یا رسول الله! نظر شما در بارهٔ شعر چیست؟
پیامبر خدا (ص) فرمود: همانا مؤمن با شمشیر و زبانش - در راه ارزش‌های الهی - جهاد
می‌کند. سوگند به کسی که جان من در دست قدرت اوست، شعر شاعران مؤمن و متعهد
مانند تیرهایی است که به طرف دشمنان پرتاب می‌شود. (میزان الحکمة، ج ۵، ۹۹).
در واقع، برای مبارزه و مقابله با دشمن، می‌توان از لحاظ جسمی و با نیروی بدنی
جنگ کرد. همچنین، می‌توان با نیروی فکری که در قالب سخن ریخته می‌شود، به جنگ
با دشمن رفت.
پیامبر (ص) سخن کوبندهٔ شاعران را که باعث تضعیف روحیهٔ دشمن می‌گردد، همانند
تیرهایی می‌داند که به سمت دشمن پرتاب می‌شود و آنها را از پای در می‌آورد. این مسأله
ارزش سخن منظوم را بسیار بالا می‌برد تا جایی که به آن حکم جهاد تعلق می‌گیرد.
در واقع، سخن شاعران هدفمند و حق‌گرا، مورد قبول و پسند پیامبر (ص) بوده است.

۲-۴- صلهٔ پیامبر (ص)

در بسیاری از موارد ذکر شده است که پیامبر (ص) به شاعرانی که اشعار نیکو
می‌سروده‌اند، صله و جایزه‌های گرانبها هدیه داده است.

چون پیامبر(ص) دعوت خود را آشکار ساخت، میان حضرت و قریش جنگ و خصومت در گرفت. شاعران قریش پیامبر(ص) و دعوتش را مورد هجوم قرار دادند. عبدالله بن الزبیری، عمرو بن العاص و ابوسفیان بن الحارث از این گروه بودند. جمعی از اصحاب از او خواستند که اجازه دهد به معارضه برخیزند. ایشان فرمودند: «کسانی که خدا و رسولش را با سلاح های خود یاری کرده‌اند، چه چیز باز می‌دارد که اینک با زبان هایشان به یاری بر نمی‌خیزند؟» حسان بن ثابت، کعب بن مالک و عبدالله بن رواحه درخواستند و با گروه متخاصم به مبادله شعر پرداختند. یکی از شاعرانی که رسول خدا را هجو می‌کرد، «کعب بن زهیر» بود. کعب ابتدا به این امر مبادرت ورزید. سپس، از کرده خود پشیمان شد و به ستایش ایشان پرداخت. بدین نیت قصیده «بانت سعاد» را سرود و به مدینه آمد و چون در برابر پیامبر(ص) آن را خواند، رسول خدا (ص) عفو کرد و امانش داد و بُرد خود را بر او افکند. آن بُرد همچنان در خاندان او دست به دست می‌گشت تا آنگاه که معاویه آن را خرید و از این راه، به دست خلفای اموی و عباسی رسید تا بالاخره، نصیب سلاطین عثمانی گردید. (تاریخ ادبیات زبان عربی، ۱۷۲).

۳- شعر و شاعری نکوهیده نزد پیامبر(ص)

اگر شعر در مسیر رشد و هدایت افراد جامعه نباشد و باعث آزرده دیگران گردد، از نظر پیامبر(ص) مذموم و مردود است. ابو هریره حدیثی از پیامبر(ص) نقل می‌کند که ایشان در این حدیث، از شعر بیزاری جسته‌اند که در حقیقت، قصد پیامبر(ص) همان اشعار گمراه کننده می‌باشد. ایشان فرموده‌است:

«لأن یمتلیء جوف أحدکم قیحا حتی یریه خیراً من أن یمتلیء شعراً» (الغدیر، ج ۳، ۲۰).

اگر شکم یکی از شما از چرک پر شود تا اینکه سیر شود، بهتر است از اینکه از شعر پر شود.

به درستی چنین است؛ زیرا گفتن اشعار مبتذل و حتی خواندن چنین اشعاری از چرک و خون هم بدتر است. پیامبر(ص) با مطالبی که ذکر کردند، به اهمیت شعر توجه کرده‌اند. ایشان به وضوح آگاه بوده‌اند که تا چه اندازه یک شعر می‌تواند در زندگی افراد تأثیر بگذارد. امروزه هم ما در جامعه مشاهده می‌کنیم که تأثیری که برخی از اشعار دارند، تا چه اندازه است. گاهی یک بیت شعر باعث بیداری امتی می‌گردد، تا اینکه حتی کار به تغییر حکومت ختم می‌شود. برای نمونه، این تأثیر را می‌توان در انقلاب اسلامی و اشعاری را که در این رابطه حمایتگر معترضین بود، مشاهده کرد. به همین منظور لازم است که در محتوای اشعار دقت کافی به کار رود تا مبادا باعث انحراف افراد گردد.

«موضع اسلام درباره شعر، موضعی ایدئولوژیک است که باید آن را فارغ از تقسیمات حلال و حرام فهمید. قرآن کریم میان شعرى که ریشه در وحى دینی دارد و شعرى که از منابع دیگر الهام می‌گیرد، تفاوت می‌گذارد. به همین دلیل، سخنان حسان بن ثابت و عبدالله بن رواحه مؤید به جبرئیل یا همان روح القدس بود که قرآن را وحی می‌کرد؛ اما منبع شعر مخالف یا شعر دشمن، شیطان بود و هم از این رو، وجود چنین شعرى در دل مؤمن بدتر از چرک و خون است.» (ابوزید، ۲۴۶).

در حدیثی دیگر پیامبر (ص) شعر را از شیطان دانسته است که این حدیث نیز اشاره به همان اشعار نکوهیده دارد. ایشان فرموده است:

«الشعرُ من ابليس» (الفقیه، ج ۴، ۳۷۶) / شعر از شیطان است.

در حقیقت، شعرى که باعث پیشرفت جامعه و افراد آن گردد، از نظر پیامبر (ص) و اسلام پسندیده است. پیامبر (ص) شعرى که بشر را از راه درست منحرف کند و به ذم پیامبر (ص) و ائمه (ع) پردازد، نکوهش می‌کند و مسلمانان را از شنیدن این اشعار به دور می‌دارد و چنین اشعارى را القای شیطان می‌نامند.

در تأویل این احادیث گفته شده است: «منظور شعرى است که در آن به پیامبر (ص) و مسلمانان توهین شده است و اگر شاعرى، چه کم و چه زیاد، در شعرش به پیامبر (ص) توهین کند، کافر گشته و اگر شخصى از مسلمانان را هجو گوید، کارى حرام انجام داده است.» (القرطبی، ج ۱۳، ۱۵۱).

ابن رشیق پس از ذکر حدیث «لأن یمتلیء جوف...» عقیده دارد که این حدیث در مورد کسى است که شعر، او را از اقامه واجبات باز دارد و از یاد خدا و تلاوت قرآن غافل بماند. (ابن رشیق، ج ۱، ۴۸).

پس، در واقع، اصل شعر نکوهیده نیست و چنانکه از تأویل‌ها و تفسیرها بر می‌آید، شعرى که در آن به پیامبر (ص) اهانت شود و یا مسلمانى را هجو گویند و یا باعث شود فرد مسلمانى از واجبات خود غافل بماند، از نظر اسلام رد شده است و خواننده آن نیز همانند سراینده آن، از خواندن این اشعار برحذر شده است.

۳-۱- خواندن شعر در مسجد

شعر در روایات نیز مورد نکوهش قرار گرفته، پیامبر (ص) فرموده است: «مَنْ سَمِعَ مَوْءُودًا یَنْشُدُ الشَّعْرَ فِی الْمَسْجِدِ، فَقُولُوا فَضًّا لِلَّهِ فَكَّ، أَمَّا نَصَبُ الْمَسَاجِدِ لِلْقُرْآنِ» (حرّ عاملی، ج ۳، ۴۹۲).

هرگاه شنیدید که شخصى در مسجد شعر می‌خواند، به او بگویید خداوند دهانت را بشکند، مسجدها جای قرآن است.

چنانکه در روایت ذکر شد، پیامبر(ص) خواندن شعر را در مسجد جایز نمی‌داند. اما قابل توجه است که منظور پیامبر(ص) در اینجا از شعر همان اشعار نکوهیده و مذموم است. در حدیث دیگری آمده است: «نهی رسول الله أن ینشد الشعر فی المسجد» (حرّ عاملی، ج ۳، ۴۹۲) / رسول خدا از خواندن شعر در مسجد نهی فرموده‌اند.

۲-۳- باطل کننده‌ی نماز در شب و روز

در حدیثی که از رسول خدا نقل می‌شود، به روشنی پیامبر(ص) شعری را باطل کننده‌ی نماز در روز و شب می‌داند که خواننده به خواندن اشعار باطل بپردازد. پس آوردن صفت باطل به همراه شعر، بیانگر این است که تمام اشعار رد شده‌ی پیامبر(ص) نمی‌باشند. رسول خدا (ص) فرمود: «هرکس در روز یا در شب به شعر باطل تمثّل کند، خداوند نماز او را در آن روز و شب نخواهد پذیرفت.» (حرّ عاملی، ج ۵، ۸۳).

۳-۳- پرچم شعر و آتش دوزخ

پیامبر(ص) بعد از آنکه شعرهای باطل و منحرف کننده‌ی امرؤالقیس را می‌شنوند، متوجه می‌شوند که شعرهای او تا چه میزان باعث خرابی روح انسانی هستند؛ در نتیجه، امرؤالقیس را وارد شونده به آتش دوزخ می‌دانند؛ در حالی که پرچم شعر را در دست دارد. یعنی او به خاطر سرودن اشعارش به همراه همان اشعار وارد دوزخ می‌شود. این مطلب نشان می‌دهد تا چه اندازه اشعار باطل مورد غضب خداوند می‌باشند، چنانکه سراینده‌ی آنها سزاوار آتش دوزخ می‌شود.

پیامبر(ص) فرمودند: «قال فی امرؤالقیس) یجیء یومَ القیمه یحملُ لواءَ الشعرالی النار.» (مشکینی اردبیلی، ج ۱، ۳۴۴).

او روز قیامت می‌آید، در حالی که پرچم شعر را در آتش جهنم با خود حمل می‌کند. در حقیقت، شعر وسیله‌ای است که معیار ارزش آن هدفی است که شعر در راه آن به کار گرفته می‌شود. در تفسیر المیزان به نقل از تفسیر قمی در مورد شاعرانی که هدف شعرشان مذموم و نکوهیده است، چنین آمده است:

«مردم را موعظه می‌کنند، خود متعظ نمی‌شوند، از منکر نهی می‌کنند و خود از آن دست برنمی‌دارند، به معروف امر می‌کنند و خود عمل نمی‌کنند، اینان همان کسانی‌اند که خدای عزوجل درباره‌شان فرمود: (الم تر أنّهم فی کلّ واد یهیمون)، یعنی در هر مذهب و راهی می‌روند، (و انهم یقولون مالا یفعلون)، و می‌گویند چیزهایی که خود عمل نمی‌کنند، و اینان همان کسانی‌اند که حق آل محمد (ص) را غضب کرده‌اند.» (طباطبایی، ج ۱۵، ۴۷۸).

هرگاه شاعری در شعر خود از واژه‌های رکیک و زننده استفاده کند یا شعر هجوی که مشتمل بر بدگویی، بیان عیب و نقص دیگران باشد و پیامد آن لکه‌دار کردن حیثیت افراد و

بی حرمتی آنان باشد؛ یا شعر تشبیبی - شعری را که حاوی سخنان شهوت‌انگیز و مفسده‌زا و موجب اغوای جوانان باشد که به بی‌بند و باری و به فحشا کشاندن انسان‌ها بیانجامد - بسریند؛ سزاوار خشم خداوند می‌شود. به هر حال، اسلام با هر شعری که دارای پیامدهای منفی و ضد انسانی و اخلاقی باشد، مخالف است و آن را حرام و بعضاً گناه کبیره دانسته. درآمد حاصل از آن نیز حرام است. و شهادت چنین شاعری را به دلیل فسق او نمی‌پذیرد. «کسی که در گفتن شعر افراط کند و شعر را به عنوان شغل انتخاب کند، جایز نیست. شاعری از این قبیل به محضر رسول الله (ص) آمد، پیامبر (ص) فرمود شیطان را بگیرد.» (محمد امین عابدین، ج ۵، ۲۷۲).

پیامبر (ص) که رأی و عقیده‌اش پیرو دستورات خداوند بود، از شعری آزرده خاطر می‌شد و شنیدنش را ناپسند می‌شمرد که مردم را به حثّ تعصب‌های قبیله‌ای بر می‌انگیخت یا اینکه به وسیله شعر، آبروی مؤمنی مورد تعرض قرار می‌گرفت و به او توهین می‌شد. ولی شعرهای دیگر را که نکات اخلاقی و حکمت‌آمیز در آن به کار می‌رفت، نه تنها تأیید می‌کردند، بلکه شاعران را تشویق به گفتن این چنین شعرهایی می‌کردند.

این مطالب نشان می‌دهد که شاعران بار سنگینی بر دوش دارند و باید در سرودن اشعارشان دقت زیادی را ملزوم دارند؛ تا مبادا با اشعار منحرف کننده باعث گردند افراد زیادی به راه باطل بروند و از راه حق منحرف شوند.

در واقع، شاعران، مانند هر انسان دیگری، می‌توانند، به دو صورت صحیح و باطل پیش روند. در حالی که باید بدانند اشعار آنها مخصوص خودشان نیست، بلکه افراد زیادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ چنانکه دیده شده گاه انسانی با خواندن بیتی متحول گشته و زندگی جدیدی را آغاز کرده است.

پیامبر (ص) نیز به این موضوع کاملاً آگاه بوده‌اند. به همین دلیل گاهی بعضی اشعار را بسیار ستوده و گوینده آن را مؤید جبرئیل قرار داده و گاه بعضی شاعران را دوزخی خوانده‌اند.

۴- نتیجه

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان موضع‌گیری پیامبر (ص) در مورد شعر و شاعری را به دو قسمت تقسیم کرد:

۱- شعر و شاعری نکوهیده نزد پیامبر (ص)

۲- شعر و شاعری پسندیده نزد پیامبر (ص)

پیامبر (ص) که رأی و عقیده‌اش پیرو دستورات خداوند بود، از شعری آزرده خاطر می‌شد و شنیدنش را ناپسند می‌شمرد که مردم را به تعصبات قبیله‌ای بر می‌انگیخت یا اینکه به وسیله شعر، آبروی مؤمنی مورد تعرض قرار می‌گرفت و به وی توهین می‌شد، ولی

مجله پژوهش‌های اسلامی / ۱۰۷

شعرهایی دیگر را که نکات اخلاقی و حکمت‌آمیز در آنها به کار می‌رفت، نه تنها تأییدشان می‌کرد، بلکه شاعران را تشویق به گفتن اینچنین شعرهایی می‌فرمود.

کتابنامه:

- ۱- ابوزید، نصر حامد، ۱۳۸۱، معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، انتشارات طرح نو، چاپ اول.
- ۲- امینی، عبدالله بن مسلم، ۱۳۹۷ هـ.ق، الغدير، دارالكتاب العربي، بیروت.
- ۳- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد، ۱۳۸۰، دیوان، تصحیح خلخالی، انتشارات حافظ، تهران.
- ۴- حر عاملی، محمد بن الحسن، بی‌تا، وسائل الشیعه، المکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم، تهران.
- ۵- حنا الفاخوری، بی‌تا، تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، بیروت.
- ۶- محمد امین عابدین، ۱۴۰۶ هـ.ق ردّ المختار علی الدر المختار، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.
- ۷- قمی، عباس. ۱۴۱۶ هـ.ق، سفینه البحار، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- ۸- ابن رشیق، قیروانی، ۱۹۹۶ م، العمده، دارالمکتب الهلال، بیروت - لبنان.
- ۹- ری شهری، محمد. ۱۴۲۲ هـ.ق، منتخب میزان الحکمه، نشر حدیث، چاپ دوم، قم.
- ۱۰- طباطبائی، حسین. ۱۳۹۷ هـ.ق، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات جامعه اسلامی مدرسین.
- ۱۱- مشکینی اردبیلی، ۱۳۶۶، نصایح و تکامل در قرآن، مترجم حسین نژاد، انتشارات فرهنگ اسلامی، تهران.
- ۱۲- نظامی گنجوی، ۱۳۸۱، کلیات نظامی گنجوی، وحید دستگردی، نشر پیمان، تهران.
- ۱۳- ناصر خسرو، ۱۳۷۹، دیوان ناصر خسرو، تصحیح مهدی محقق و مجتبی مینوی، انتشارات خرم، تهران.